

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۰ اگست ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

طرح عقبنشینی گام به گام جمهوری اسلامی

در هفته‌ای که گذشت، رفت و آمد و گفت و گوی مقامات روسیه و جمهوری اسلامی در صدر اخبار و گزارش‌های سیاسی ایران قرار گرفت. دبیر شورای امنیت ملی روسیه وارد ایران شد و همزمان با او، وزیر خارجه جمهوری اسلامی به روسیه رفت، تا مذاکرات را با وزیر امور خارجه روسیه ادامه دهد.

از محتوای این گفت و گوها اطلاعات دقیقی انتشار نیافت. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی هدف از این سفر را مذاکره پیرامون مسایل دوجانبه، منطقه‌ئی و بین‌المللی اعلام نمود. اما به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مسأله، تلاش طرفین برای شکستن بن‌بستی است که بر سر پرونده هسته‌ئی جمهوری اسلامی پیش آمد و به توقف گفت و گوهای مستقیم نمایندگان قدرت‌های بزرگ جهان با جمهوری اسلامی در چند ماه گذشته انجامید.

در این فاصله، منطقه خاورمیانه با یک سلسله تحولات سیاسی روبرو شده است و جمهوری اسلامی موقعیت خود را شکننده‌تر از گذشته می‌بیند. تحریم‌های اقتصادی، رژیم را در شرایط بسیار دشواری قرار داده است. درآمد دولت از نفت کاهش یافته است. میلیاردها دلار حاصل از نفت فروخته شده در کشورهای دیگر بلوکه و سرگردان مانده است که انتقال آن‌ها از طریق دولت‌های واسطه، هزینه‌های سنگینی دربردارد. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی که یکی از نیازهای حیاتی جمهوری اسلامی برای بقای خود و تأمین منابع مالی است، با تنزل شدید همراه بوده است و خلاصه کلام بحران اقتصادی و مالی رژیم را تشدید کرده است. در عین حال، در اردوی طرف مقابل، پرونده هسته‌ئی به ویژه روسیه و چین که خواهان بسط مناسبات اقتصادی با جمهوری اسلامی‌اند و اتحادیه اروپا که نگران از دست رفتن بازار ایران در وضعیت بحرانی کنونی است، از بن‌بست پیش آمده ناخرسندند.

در چنین شرایطی است که روسیه ابتکار عمل را در دست گرفته تا به بن‌بست موجود در گفت و گو بر سر پرونده هسته‌ئی جمهوری اسلامی خاتمه دهد و چنانچه بتواند این نزاع را حل کند.

از اشاراتی که سران جمهوری اسلامی به طرح پیشنهادی روسیه داشته‌اند، چنین برمی‌آید که جمهوری اسلامی باید گام به گام برای پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل عقب‌نشینی کند. اما این که رژیم در ازای آن چه

چیزی به دست می‌آورد و از کی تحریم‌ها خاتمه خواهد یافت، به نظر می‌رسد که هنوز در این طرح، ناروشن مانده است. با این وجود، جمهوری اسلامی که اکنون در موقعیت وضعی قرار دارد، اصل طرح روسیه را پذیرفته است. احمدی‌نژاد در دیدار با دبیر شورای امنیت ملی روسیه، از طرح روسیه استقبال کرد و گفت: “جمهوری اسلامی از ابتکار عمل روسیه در طرح راهکار گام به گام استقبال می‌کند و آمادگی دارد در تنظیم پیشنهاداتی برای تعامل و همکاری در این خصوص مشارکت داشته باشد.”

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد: “با روح این طرح موافقیم تا حرکت جدیدی داشته باشیم که گام به گام جلو برویم.” اما وی ادامه داد: “به طوری که هم‌زمانی در آن نهفته شود یعنی اگر قدمی را یک طرف برداشت، معادل و متناسب آن، طرف مقابل، اقدامی انجام دهد، نه این که اقدام یک طرف بدون پاسخ باشد.”

جمهوری اسلامی ناگزیر است طرح روسیه را بپذیرد، چرا که به خصوص در اوضاع کنونی نیاز شدیدی به همکاری با روسیه در زمینه مسایل اقتصادی و سیاسی منطقه نی دارد. راه‌اندازی نیروگاه بوشهر نیازمند همکاری روسیه است. روسیه می‌تواند در سرمایه‌گذاری تأسیسات نفت و گاز نقش مهمی در حل معضلات رژیم در این عرصه داشته باشد که این نیز البته تا حد زیادی منوط و مشروط به حل پرونده هسته‌ای است. جمهوری اسلامی و روسیه، بر سر تحولات سوریه منافع نزدیک به هم دارند. آنچه که در سوریه می‌گذرد و چگونگی حل آن، برای جمهوری اسلامی بسیار مهم است. چون سرنوشت حزب‌الله لبنان وابسته به بقای بعضی‌های سوریه است و روسیه می‌تواند در این زمینه متحد جمهوری اسلامی باشد.

اما به هر حال تحقق برخی از خواست‌های جمهوری اسلامی در گسترش مناسبات با روسیه، وابسته به نتیجه طرحی است که روسیه اکنون ارائه داده است. گرچه روسیه در ارائه این طرح با اروپا و امریکا هماهنگی داشته است، اما نتیجه و سرانجام این طرح وابسته به نظر دولت امریکا، سیاست این دولت و تأمین منافع و خواست‌های امریکاست. چون در اساس، نزاع بر سر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی نه نزاعی با روسیه، چین و حتی اروپا، بلکه با امریکاست. تا وقتی که نزاع امریکا با جمهوری اسلامی حل نشود، مسأله هسته‌ای هم که دستاویزی برای این نزاع است، به جای خود باقی خواهد ماند.

خامنه‌ای به شکست اعتراف می‌کند

خامنه‌ای در این هفته گروهی از سرمایه‌داران بخش خصوصی، مدیران مؤسسات صنعتی، تجاری و بانکی را به همراه نمایندگان تشکل‌های آنها به حضور پذیرفت، تا مشکلات آنها را بشنود و ببیند، چرا وضعیت اقتصاد بحرانی‌ست؛ “همت و تلاش مضاعف” نتیجه‌ای نداشته؛ “جهاد اقتصادی” کمترین تغییری در اوضاع پدید نیاورده و “سند چشم‌انداز ۲۰ ساله” که گویا قرار بود سرمایه‌داری ایران را به مقام نخست منطقه ارتقاء دهد، تا همین جا با شکست روبرو شده است.

خامنه‌ای پس از شنیدن پیشنهادات، مشکلات و راه‌های حلی که سرمایه‌داران و نمایندگان آنها ارائه دادند، در مورد “ناکارآمدی تحریم‌ها” و “پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه‌های تولید، خدمات، کشاورزی، صنعت و صنایع دانش بنیان” یابوسرانی کرد و از این که میلیون‌ها چشم باز و ناظر مردم، این همه پیشرفت را ندیده‌اند، اظهار تأسف نمود و افزود: “متأسفانه اغلب مردم از آن مطلع نیستند و باید این افتخارات ملی که متعلق به ملت ایران است، به اطلاع مردم رسانده شود.”

این که چگونه ممکن است در کشوری "پیشرفت‌های چشمگیر در همه عرصه‌های تولید، خدمات و صنایع دانش بنیان" رخ دهد، اما "اغلب مردم" از آن مطلع نباشند، یا مردم آن کشور باید کور و از آگاهی بی‌بهره باشند که چنین چیزی محال است، یا گوینده این حرف‌ها، آدمی شیاد و کذابی از نمونه آخوند خامنه‌ای است. مردم ایران همه چیز را به خوبی می‌بینند و از آن‌چه که در برابر چشمانشان می‌گذرد، آگاهند. بنابراین می‌دانند که حرف‌های امثال خامنه‌ای و احمدی‌نژاد در مورد "پیشرفت‌های چشمگیر" چیزی جز یک مشت دروغ‌پردازی تبلیغاتی نیست. اما جالب این‌جاست که خامنه‌ای در وسط صحبت‌هایش، فراموش کرد که پیش از این از فتح الفتوحات جمهوری اسلامی و "پیشرفت‌های چشمگیر" در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی سخن به میان آورده است و احتمالاً از زاویه گوشمالی دادن به احمدی‌نژاد و شکستن کاسه، کوزه‌های خرابی اوضاع اقتصادی بر سر او، افزود: در این ۵ سالی که از آغاز اجرای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله می‌گذرد "برخی اهداف آن از جمله رشد ۸ درصدی، کاهش بیکاری، کاهش تورم و افزایش سرمایه‌گذاری محقق نشده است." البته او باز هم فراموش کرد که بگوید نرخ رشد، حتی به نیمی از رقم پیش‌بینی شده نیز دست نیافت و در سال‌های اخیر به زیر صفر هم رسید. او فراموش کرد که بگوید، جمعیت بیکاران دو برابر شده و از ۴ میلیون به ۸ میلیون رسیده است. او فراموش کرد بگوید که نرخ تورم ۱۳ درصدی، در واقعیت از دو برابر هم تجاوز کرد.

خامنه‌ای با این اظهار نظر، ناخواسته، تمام حرف‌های قبلی خود را در مورد "پیشرفت‌های چشمگیر" پس گرفت و به شکست تمام برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم در برنامه‌های ۵ ساله و سند چشم‌انداز اعتراف کرد.

او بار دیگر برای اطمینان دادن به سرمایه‌داران که از هیچ تلاشی برای پر کردن جیب آن‌ها دریغ نکرده و نخواهد کرد، به اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ پرداخت و گفت: "هدف از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، فقط واگذاری بنگاه‌ها نیست، بلکه در کنار واگذاری باید زمینه‌توانمند کردن بخش خصوصی فراهم گردد. علاوه بر این، "باید در چارچوب اجرای قانون هدفمندسازی پارانه‌ها، سهم بخش تولید، حتماً اختصاص یابد."

خامنه‌ای که خود نقش اصلی را در تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم، برای واگذاری مؤسسات عمومی به سرمایه‌داران بخش خصوصی بر عهده داشت، می‌خواهد بگوید که هدف من صرفاً واگذاری کارخانه‌ها و مؤسسات دولتی به سرمایه‌داران بخش خصوصی نبود، بلکه علاوه بر این "توانمندی" آن‌ها از نظر مالی، خواه از طریق درآمدهای نفتی یا اعتبارات دولتی و بانکی نیز بوده است. او اکنون تأکید می‌کند که باید سهم سرمایه‌داران بخش خصوصی از هدفمند کردن پارانه‌ها، که همانا افزایش بهای کالاها و سرکبسه کردن بیشتر مردم برای افزایش درآمدهای دولتی است، بی‌کم و کاست پرداخت شود.

خامنه‌ای، اما بر سر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، چیزی نمی‌گوید که کارخانه‌ها و مؤسسات متعلق به عموم توده‌های مردم ایران، مفت و مجانی از طریق زد و بندهای مقامات دولتی به بخش خصوصی، فرزندان، اقوام و خویشاوندان مقامات و سران دولتی واگذار گردید. او چیزی نمی‌گوید که اجرای همین سیاست به بحران اقتصادی دامن زد. کارخانه‌ها تعطیل و میلیون‌ها کارگر بیکار شدند. در نتیجه همین سیاست است که تورم مدام افزایش یافت. اگر خامنه‌ای اکنون می‌پذیرد که برنامه ۵ ساله و سند چشم‌اندازش با شکست روبرو شده است، به معنای این است که سیاست‌های اصل ۴۴ او هم با شکست روبرو شده است. تمام برنامه و سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی که دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای درمان اقتصاد بیمار و از هم گسیخته سرمایه‌داری ایران بود، با شکست مقتضاحانه‌ای روبرو شده است. جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای بحران اقتصادی ایران ندارد. این اقتصاد سر تا پا از هم گسیخته است و نیاز به دگرگونی ریشه‌ئی دارد.

ادعاهای پوشالی اشتغال میلیونی را کنار بگذارید! اخراج معلمان را متوقف کنید!

اعتراضات گروهی از معلمان حق‌التدریسی و شرکتی به بلا تکلیف بودن و نامشخص بودن وضعیت استخدامی‌شان در این هفته نیز در مقابل مجلس ادامه یافت. دو هفته است که این معلمان هر روز در مقابل مجلس تجمع می‌کنند و خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود می‌شوند. در این چند روز نه تنها به خواست آن‌ها پاسخی داده نشده، بلکه رسانه‌های رژیم حنا از انعکاس خبر این تجمعات اعتراضی سر باز زده‌اند. یکی از معلمان می‌گوید: تعجب می‌کنم که چطور این معلمان چند روز جلوی مجلس جمع می‌شوند، اما یک رسانه پیدا نمی‌کند که خبر آن را پخش کند. حالا تو فلان کشور یکی کتک می‌خوره، چپ و راست کانال ۱ و ۲ و ۳ همه چند بار با تکرار اعلام می‌کنند. دیگری می‌گوید: الان چند روز است که معلمان جلوی مجلس تحصن کرده‌اند، معلمان شرکتی با سابقه یک تا ۱۰ سال، چرا باید اخراج شوند.

چندین سال است که مبارزه معلمان حق‌التدریس، نهضت سوادآموزی و شرکتی برای استخدام ادامه دارد. پس از وعده وعیدهای کشدار، سرانجام وزارت آموزش و پرورش، با شرط و شروطی گروهی را استخدام کرد، اما چندین هزار تن باقی ماندند که گویا بخش اعظم آن‌ها نیز سال گذشته استخدام شدند. با این وجود هنوز هم هزاران تن باقی مانده‌اند که برای استخدام آن‌ها وزارت آموزش و پرورش بازی درآورده است و پس از چند سال کار معلمی، تازه شرط پذیرش آن‌ها حد نصاب نمره معین شده اعلام شده است. گروهی از معلمان این حد نصاب را نیاورده‌اند و خطر اخراج آن‌ها را تهدید می‌کند. اگر قرار بر امتحان و نمره معینی برای استخدام بود، این کار نه اکنون که معلمان چندین سال در آموزش و پرورش خدمت کرده‌اند، بلکه در همان روز نخست می‌بایستی انجام بگیرد. بنابراین معلمان معترض حق دارند که پس از سال‌ها خدمت در آموزش و پرورش، اکنون خواستار استخدام رسمی شوند. خودداری وزارت آموزش و پرورش از استخدام رسمی این معلمان دلیل ندارد و صرفاً یک بهانه‌جویی برای اخراج معلمان است. وزیر آموزش و پرورش در تازه‌ترین موضع‌گیری خود در مورد استخدام باقیمانده معلمان که قرار بود تکلیف‌شان روشن شود، روز چهارشنبه این هفته گفت: «یکی از مشکلات این است که به هر کسی عنوان حق‌التدریس می‌دهند. ما اصلاً حق‌التدریسی که اعتراض داشته باشد، نداریم. وضعیت همه حق‌التدریس‌ها و آموزشیاران نهضت سوادآموزی هم مشخص است تعدادی از این افراد به صورت شرکت خدماتی بودند که در آزمون شرکت کردند و ۵۰ درصد نمره را به دست نیاوردند و به طور طبیعی پذیرفته نشده‌اند.»

ادعای وزیر آموزش و پرورش برای این معلمان پذیرفتنی نیست. معلمان معترض می‌گویند: ما سال‌ها به عنوان معلم، خدمت کرده‌ایم و بر طبق مصوبات مجلس باید استخدام شویم. این استخدام مستقل از این که عنوان این معلم حق‌التدریس باشد، آموزشیار نهضت سوادآموزی، یا شرکت خدماتی، شامل همه کسانی می‌شود که به عنوان معلم خدمت کرده‌اند. آزمون صرفاً بهانه‌ای برای استخدام نکردن و اخراج بخشی از معلمان است که هم اکنون نیز آموزش و پرورش نیاز به خدمت آن‌ها دارد. بنابراین معلمان معترض تصمیم به ادامه مبارزه تا رسیدن به خواست خود در مورد استخدام گرفته‌اند.

تردید نیست که اگر این معلمان معترض همانند چند سال گذشته که با مبارزه خود دولت را ناگزیر کردند به استخدام معلمان حق‌التدریس تن دهد، به این مبارزه ادامه دهند، قطعاً پیروز می‌شوند.

مسخره است، در حالی که احمدی‌نژاد خبر از اشتغال‌های ۵ / ۱ میلیونی بیکاران می‌دهد، وزارت آموزش و پرورش معلمان را که سال‌ها خدمت کرده‌اند، اخراج کند و از استخدام چند هزار معلم سر باز زند. ادعاهای وزیر

آموزش و پرورش هم چیز دیگری را جز ادعاها و وعده‌های دروغین احمدی‌نژاد بر ملا نمی‌کند. وعده استخدام و اشتغال میلیونی را به کنار بگذارید! ادعاهای پوشالی را کنار بگذارید! دست به نقد، اخراج معلمان، کارگران و دیگر حقوق‌بگیران و مردم زحمتکش را متوقف سازید! استخدام رسمی حق همه کسانی است که به عنوان معلم در آموزش و پرورش خدمت کرده‌اند.